هُوَ
۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

۱۷۷

سلسله درسهای عرفانی

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم هست کلید در گنج حکیم

اخم‌ها را از خودتان دور کنید، کینه‌ها را از خودتان دور کنید، بپردازید که جهتِ ایجاد این کینه یا این خشم، چه بوده است؟ به آن بپردازید و او را مرتفع کنید. انسان در بین حیوانات، مدنی‌الطبع است یعنی نه تنها این دستورات الهی است بلکه فطرتِ انسان هم متمایل به این است. در تاریخ کره‌ی زمین (یعنی زیادتر از این تاریخ ماست) هیچ انسانی تنها زندگی نکرده. طبیعتِ انسان‌ها این است که با هم باشند، با هم بودن یعنی با هم ملاطفت داشته باشند وإلّا شما با یک دشمن نمی‌توانید ملاطفت کنید و همراه باشید. بنابراین دشمنی را بردارید در آن صورت مهربانی از طبیعتِ انسان است، اصل طبیعت و حتّی این دستورات موجب ماده‌ی نویسندگیِ نویسندگان هم شده است، کتاب‌های زیادی در این زمینه هست. در یکی از این داستان‌ها که بطور فرضی نشان می‌دهد، می‌خواهد روز قیامت و حساب را نشان بدهد، چند نفری را با هم در یک جا حبس می‌کند، نگه‌می‌دارد می‌گوید: منتظر باشید. آن آخر یکی از اینها نگران می‌شود، می‌پرسد ما چرا معطّل شدیم؟ زودتر معیّن کنید تکلیف ما چیست. می‌گوید: تکلیف شما همین است. روح را صحبتِ ناجنس، عذابی است غریب. با ناجنس‌تان بنشینید و مجبور باشید با هم باشید، این عذاب است. ما برای اینکه با کسانی که می‌نشینیم، هم‌جنس باشیم، ناجور نباشیم، همه‌مان انسان باشیم، باید وظایف انسانیّت را رعایت کنیم که اوّلش همین رحیم بودن و مهربانی نسبت به دیگران است، ان‌شاءالله خداوند موفّق‌مان بدارد. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح سه‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۳، عید نوروز، جلسه خواهران ایمانی)

*****

این پنج روزِ نوروزی تمام شد که این عدد پنج هم از همان زرتشتی‌ها هست، از مذهب زرتشت برای ما مانده یعنی به این معنی که هر روزی یک اسمی داشته، ما الان مبنای هفته می‌گیریم، هر روز یک اسمی دارد. می‌گوییم روز شنبه، یک‌شنبه، دوشنبه الی آخر. همینطور می‌گویند که تمام روزهای ماه اسم داشته، دیگر شماره نداشته، دهم ماه، پانزدهم ماه نه! اصلاً این شب، شب‌ها یا روزها جهت خاصّی نداشته فقط برای بشر تقسیم‌بندی کردند.

در قدیم هر سی روز، مثل یک هفته بوده. همانطوری که ما هر روز هفته یک اسمی داریم. از

شنبه شروع می‌شود یک‌شنبه، دوشنبه همینطور تا جمعه. همین در ماه بوده، هر روزِ ماه یک اسمی و آنوقت روزی که روزِ ماه و روزِ عادی یکی باشد، جشن می‌گرفتند. منتها جشن پایان نوروز یعنی پنج روز را ما جشن می‌گرفتیم، پایکوبی و امثال اینها، بعد روز ششم به‌عنوان استراحت و به‌عنوان اعلام پایان جشن نوروزی، جشن داشتیم که تمام می‌شد. حالا ما از هر جهت این پنج روزمان تمام شده، نگاه کنیم که در این پنج روز از خداوند چه خواستیم؟ چه کار کرده‌ایم؟ ولی به‌هرجهت زمان پنج روز گذشت، این پنج روز هم بر عمر ما اضافه شد یعنی مثلاً چند سال و پنج روز، عمرِ ما شد. حالا ان‌شاءالله همین اضافه شدنِ عمر، برای ما کافی باشد. دیگر خداوند ما را خیلی از گردانه خارج نکند، به‌قولی: به پیش برای زندگیِ بهتر. ما هر روز به امید فردا هستیم و ان‌شاءالله فردای‌مان بهتر از امروز و امروزمان بهتر از دیروز باشد. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۴)

*****

بعد از غیبت امام دوازدهم تکلیف مردم چی باید باشد؟

مسلّماً به همان دلیلی که خداوند پیغمبر فرستاد و بعد امام منسوب کرد، بعد از غیبت امام هم یک شخص یا اشخاصی را برای تربیت مردم معیّن کرده. به همین طریق، بعضی‌ها البتّه اینطور تفسیر کرده‌اند: همانطور که امامت یعنی ولایت نسل به نسل ماند، بعد از آن هم کسانی که تعیین شده‌اند، امام هستند که یک فرقه‌ای از شیعه‌ی بعد از حضرت جعفر صادق هم، امامت را ادامه می‌دهند. البتّه عدّه‌ی خیلی کمی.

بعد از امام غایب این شخصیتی که از جانب خداوند به نحوی معیّن شده است، سِمتش، قدرتش در چه اندازه بود؟ البتّه در زمان خود امام دوازدهم که غیبت فرمودند، نوّاب اربعه بودند. از این نوّاب اربعه، شیخ جنید بغدادی، هم از جنبه‌ی شریعت و هم از جنبه‌ی طریقت، با امام در ارتباط بود و نمایندگی داشت و بعد هم قسمتِ اختیارات ولایتیِ خودش را منتقل کرد، جانشین تعیین کرد تا قیامِ قیامت.

در این دوره بعضی‌ها این ولایت را، این برتری‌ای که این شخص دارد، از نوع وکالت می‌دانند یعنی معتقدند که این شخص در واقع وکیل از طرف امام زمان است. در این صورت اختیاراتی هم که دارد، به وکالت از اوست. نه از نوع خودِ آن. کما اینکه یک مهندس مثلاً وقتی بخواهد در کارهای مهندسی‌اش وکیل تعیین کند، ممکن است یک طبیب را وکیل تعیین کند. از نوع هم نباشند، نیستند. بعضی‌ها این را ولایتِ مستقل می‌دانند، همین که عرض کردم. اینها معتقدند که خودِ این، عینِ امام است که آن هم مورد قبول ما نیست. غیر از این دو نظریّه، نظریّه‌ی سوّمی که هست و مورد قبول ماست به این طریق است که اینها از نوع و از مکتبِ امام هستند یعنی همان ولایت را دارند به اندازه‌ی شاگردیِ امام و این ادامه دارد. امّا در شریعت، شخص معیّنی نیست، شخص خاصّی ندارد. در آن

روایتی که هست، فرموده‌اند که اگر کسی آن صفات را داشت و درس هم خواند، مِنَ الْفُقَهَاء بود، در این صورت او برتری دارد ولی در آنجا به‌هیچ‌وجه ذکر نیابت امام نکردند. از ارتباط با امام و اینکه از چه نوع خواهد بود، ذکر نکردند. فقط فرموده‌اند: فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلِّدُوهُ. چنین مجتهدی اگر باشد، عوام، مردمانی که در این رشته اطلاعی ندارند، تقلید کنند و فرموده‌اند: فَلِلْعَوَامِّ أَنْ... یعنی برای عوام است که تقلید کنند، نه بر عوام است. بر عوام نیست، برای عوام است: فَلِلْعَوَامِّ. نفرموده‌اند فَعَلَى الْعَوامِّ أَنْ يقَلِّدُوهُ. به‌هرجهت ما الان هم از جانب شریعت، باید متّصل باشیم به امام که آن هم به‌وسیله‌ی این حدیث است، شخص معیّنی نیست. البتّه غالباً برای اینکه این شخص را درست تشخیص بدهیم، هر چه بزرگ ولایتیِ ما، بزرگِ مذهبیِ ما گفت، قبول می‌کنیم ولی تشخیصش با خودِ ماست. همچنین جنبه‌ی تربیتی را هم ما داریم.

ان‌شاءالله خداوند که این دو وظیفه و دو راه را برای ما گذاشته، ما را راهنمایی کند و خودش ما را راه ببرد. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح جمعه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۶، جلسه برادران ایمانی)

*****

انسان‌ها با هم باید زندگی کنند، تنهایی نمی‌توانند زندگی کنند، بشرِ تنها وجود ندارد، در هیچ جا بشرِ تنها زندگی نمی‌کرده. این هم که بعضی مرتاضین یا زُهّاد تنهایی در کوه می‌رفتند، تنهایی نبودند. در همان محلّی که خودشان بودند یک جایی که به آنجا نزدیک بوده، زندگی می‌کردند و باز هم در ارتباط با انسان‌ها بودند. به‌علاوه از اوّل که به دنیا آمدند، تا جمعیتی نباشد، نمی‌توانستند زندگی کنند چون اینطوری است، بنابراین هر انسانی آرزومند است در جامعه‌ای که زندگی می‌کند، امن باشد. در آن جامعه امنیتِ جانش و مالش و اعتقادش حفظ بشود. می‌گویند این کارِ شریعت است یعنی ظاهر است. حالا در این جامعه ممکن است آدمِ بدطینتی هم باشد، آدم جانی باشد، آدم دزد هم باشد ولی مجموعه‌ی جامعه، نظمش را دارد و هر یک از آن قبیل اشخاص هم اگر بودند، مجازات می‌شوند. یک وقت هست که انسان‌ها می‌خواهند در چنین جامعه‌ای که زندگی می‌کنند، خودشان ترقّی کنند، ترقّی روحی. نیازمند به یک تعلیمات خاصّی هستند، به یک کارهای خاصّی. در ظاهر مثل مدیتیشن و اینطور چیزهایی که هست. این جنبه‌ی طریقت است. خداوند همه‌ی این آرزوها، ایده‌آل‌های یک بشر را برآورده و در نظر داشته یعنی پیغمبر و امام فرستاده برای اینکه شریعت را کامل کنند. همان پیغمبر و امام را تا حدّی اختیار داده که تربیت افراد را هم به عهده بگیرند و این جنبه‌ی طریقت آنهاست.

ممکن است این جنبه‌ی طریقت با شریعت در یک نفر جمع شود و یا جداگانه باشد. یک نفر

مأمور شریعت باشد، یک نفر مأمور طریقت. به‌هرجهت آنچه مسلّم است، دستوراتِ شریعتی که برای تمام جامعه است، چه اشخاصی که بخواهند تربیت شوند و مقام معنوی به‌دست بیاورند و چه اشخاصِ ساده برای همه‌ی آنها هست. شریعت را باید رعایت کرد.

ان‌شاءالله خداوند به ما توفیق بدهد، شریعت را رعایت کنیم و در طریقت هم آنچه به ما دستور داده شده، رفتار کنیم. در این صورت ایده‌آلِ بشری حاصل می‌شود. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح جمعه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۶، جلسه خواهران ایمانی)

*****

دیروز را به مناسبت سالروز تولّد حضرت فاطمه علیهاالسلام جشن داشتیم و به هم تبریک گفتیم، من هم به همه تبریک خودم را عرض کردم و حالا هم تبریک را تکرار می‌کنم.

تولّد بزرگان، ائمّه، هر یک از چهارده معصوم، برای ما جشن دارد. وفات و رحلتشان گرچه بشر را متأثّر کرد و ناراحت شدند ولی این هم قدم تکاملی بود که توجّه کنند امر الهی مرگ ندارد. این بدن نبود، بدن دیگری.

حالا ما متأسّفانه تولّدها را توجّه نداریم، وفات‌ها را حتماً با سر و صدا و داد و بیداد، بزرگ می‌کنیم. البتّه وفات‌ها در زندگیِ جامعه خیلی مؤثّر بودند. فرض بفرمایید در مورد علی علیه‌السلام، تولّد علی، تغییری در جهان ایجاد نکرد ولی شهادت علی علیه‌السلام دنیا را منقلب کرد.

به این جهت است که ما شهادت را بزرگ می‌داریم و باید در مورد آثارش فکر کنیم. حالا این تولّد حضرت فاطمه علیهاالسلام را که یک قدمی در تعالیم اسلامی هم بود، تبریک می‌گویم.

ان‌شاءالله قدم آن بزرگوار در خیرِ ما باشد و ما بتوانیم از خیر و بزرگواری‌اش بهره ببریم، ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح پنج‌شنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۱۲)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجّاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه‌ی تلگرام بپیوندید.